

الزامات اجتماعی سیاست گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

(از صفحه 71 تا 98)

دکتر سید مصطفی ابیطبی¹

تاریخ دریافت: 93/4/15

تاریخ پذیرش: 93/5/25

چکیده

سیاست گذاری فرهنگی موفق منوط به شناخت نیروها، نیازها و مقتضیات مخاطبان و محیط فرهنگی و اجتماعی آنان می باشد. سیاست گذاری فرهنگی با رویکرد اجتماعی باید با ابتناء بر تنوع نسلی، علائق، دغدغه ها و محیط روانی و ذهنی مخاطبان، به همراه اقتضائات زمانی و تعامل آنها در جامعه ی شبکه ای و عصر ارتباطات و تکنولوژی را مد نظر قرار دهد.

الزامات اجتماعی سیاست گذاری فرهنگی ایجاب می کند که راهبردها، سیاست ها اصول و برنامه های فرهنگی معطوف به دو بردار عمودی و افقی که اولی شامل تمایزات نسل ها و دومی شامل شکاف های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می باشد طراحی، تنظیم و اجرا شوند.

با عنایت به تحولات ساختاری در جمعیت و اقتصاد و الگوی مصرف و گسترش تکنولوژی های نوین از دهه 70 به بعد نسل دیجیتال زده که فضای انقلاب و جنگ را درک نکرده است پا به عرصه وجود گذاشت و علائق، گرایشات و رفتارهای جدیدی از خود بروز داد.

سیاست گذاری فرهنگی باید معطوف به نهادینه شدن توافق میان نسل ها و نیز غیرفعال

m.abtahi100@gmail.com

1- استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

..... فصلنامه مطالعات میان فرهنگی سال نهم ۷ شماره 21

الزامات اجتماعی سیاست گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

کردن و جلوگیری از متراکم شدن شکاف های اجتماعی باشد. در چنین وضعیتی است که جامعه برای هویت یابی و درک موقعیت خود با شبکه ای از راه حل های اساسی و دراز مدت مواجه خواهد شد و به برقراری تعادل میان فرهنگ خودی و فرهنگ جهانی خواهد پرداخت. هرگونه غفلت از این مهم، چند پارگی ها و گسست ها را به صورت قطب های آشتی ناپذیر تبدیل و مانع تکوین چارچوب های لازم برای همپذیری، مشارکت و رقابت خواهد شد.

واژگان کلیدی: الزامات اجتماعی، سیاست گذاری فرهنگی، محیط فرهنگی، تفاوت نسل و شکاف نسلی.

مقدمه

سیاست گذاری فرهنگی چیست؟ آیا امکان سیاست گذاری در عرصه فرهنگ وجود دارد؟ اگر پاسخ مثبت است چهارچوب، حدود و ثغور سیاست گذاری، دخالت و کنترل دولت بر فرهنگ به چه میزان می باشد؟

در گذشته اعتقاد بر این بود که فرهنگ به دلیل ماهیت معنوی، اخلاقی و درونی اش، قابلیت سیاست گذاری و برنامه پذیری ندارد. اما امروزه باور بر این است که در حوزه فرهنگ، ابزارهای فرهنگی وجود دارد و باید آنها را به گونه ای برنامه ریزی شده و سازماندهی شده بکار بست.

سیاست گذار فرهنگی چگونه و با بهره مندی از چه مکانیسمی تحقق و اجرایی شدن سیاست های فرهنگی در جامعه را امکان پذیر می سازد؟ چگونه سیاست گذار فرهنگی مبتنی بر بستر تاریخی و اجتماعی، میراث گذشته ملت ها و منافع عمومی آنها را در زمان حاضر معین کرده و نقشه راه آینده فرهنگی آنها را ترسیم می نماید؟

نگارنده معتقد است ترسیم دقیق مختصات فرهنگی کشور ایجاب می کند که گونه شناسی نسل های مختلف، از یک سو و چند پارگی های اجتماعی از سوی دیگر به عنوان دو محور مختصات فرهنگی کشور مورد شناسائی قرار گرفته و شاخص های دقیق منظومه فرهنگی کشور مبتنی بر مولفه های اجتماعی تحلیل شود. بنابراین لزوم توجه به مختصات و مولفه های ساختار اجتماعی، یکی از شاخص های موفقیت سیاست گذاری فرهنگی است.

مبانی نظری

مطالعه سیاست فرهنگی یک کشور به معنی شناسائی اهدافی است که توسط سیاست گذاران یک کشور تعیین می شود و بعنوان برنامه های دراز مدت در قالب مدیریت راهبردی، به منصه ظهور می رسد. سیاست گذاری فرهنگی در واقع نوعی برنامه ریزی

راهبردی و دراز مدت است که از آرمان ها و ارزش های جامعه الهام می گیرد و برنامه ریزی میان مدت و کوتاه مدت را هدایت می کند .

برنامه ریزی راهبردی در پی به کارگیری بسیاری از منابع برای رسیدن به هدف مطلوب می باشد و در واقع نشانگر بسیج منابع و ایجاد هماهنگی بین آنهاست . الگوی سیاست گذاری فرهنگی مبتنی بر هدف گذاری های معینی است که از راهبردهای کلان فرهنگی اخذ شده است .

برخی از پژوهشگران حوزه سیاست فرهنگی، سیاست گذاری فرهنگی را مبتنی بر 4 رهیافت مورد بررسی قرار می دهند .

1- قلمرو و دامنه فرهنگ و اینکه چه چیزی فرهنگ هست و چه چیزی فرهنگ نیست ؟

2- حکومت تا چه میزان برای خود مأموریت و رسالت فرهنگی قائل است ؟

3- چه فرایندهایی در اتخاذ سیاست های فرهنگی نقش دارند ؟ برنامه ریزی فرهنگی توسط دولت ها صورت می گیرد یا افراد جامعه نیز نقش آفرین می باشند ؟

4- حکومت ها با چه ابزارهایی به اجرا ، تخصیص منابع و هدایت می پردازند ؟

اگر سیاست گذاری فرهنگی را طراحی مبانی و راهبردهای کلان فرهنگ در وصول به غایات و اهداف تعیین شده ملت ، با بهره گیری از تجارب و پیشینه تاریخی و هویتی آن بدانیم ، در این صورت ، دو گانه ی راهبرد - روش چگونگی و قابلیت اجرایی شدن این سیاست ها در جامعه را مورد تأکید قرار می دهد .

معنایابی سیاست های فرهنگی در روند مترقیانه تاریخی و اجتماعی ملت ها ، ایجاب می نماید که مؤلفه های اندیشگی و شناختی و نیز تجربیات و خصلت های روانی و اجتماعی هر نسلی در هر عصری مورد شناسائی قرار گرفته و برای سیاست گذاری موفق فرهنگی ، در دستور کار قرار گیرد. (Hutchison ، 1999:98)

مشخصات یک سیاست گذاری فرهنگی موفق ، واقع بینی ، شناخت دقیق از محیط اجتماعی و در نهایت حرکت به سمت برقراری ارتباط عمیق و پویا با مخاطب بعنوان جامعه هدف می باشد .

فرهنگ و سیاست فرهنگی پدیده ایستا نیست بلکه باگذر زمان و با دگرگون شدن دامنه فرهنگ و ابزارهای سیاست گذاری فرهنگی، تغییر می یابد.

اصول سیاست گذاری فرهنگی

بر این اساس اصول برنامه ریزی و سیاست گذاری فرهنگی عبارتست از :

- 1- شناسایی وضعیت موجود و شناخت وضعیت قبلی .
- 2- شناسایی روشن و دقیق هدف و ترسیم چشم اندازهای شفاف وضعیت ایده آل سپهر فرهنگی جامعه .

- 3- شناسایی امکانات و محدودیت هابرای ترسیم دقیق نقشه راه فرهنگی به صورتی که هدف ها قابلیت اجرا و تحقق پذیری داشته و دسترسی به آنها امکان پذیر باشد. هدف کلی سیاست فرهنگی، ارتقای جامعه ایرانی به مقامی است که افراد آن با شناخت تمدن و فرهنگ پر ارج ایران در حفظ و گسترش آن بکوشند و با آگاهی از فرهنگ کشورهای دیگر جهان، خانواده بزرگ ایرانی را در مسیر به سوی زندگی بهتر و کمال معنوی یاری نمایند . (احمدی، 1370: 21)

برای تحقیق این مهم باید کیفیت و چگونگی شکل گیری باورها، احساسات، عواطف، افعال و رفتارهای انسانی را بدانیم تا در دستیابی به اهداف مدیریت فرهنگی موفق شویم. براین اساس توجه به تنوع و تفاوت نسل ها و تحولات اجتماعی نو پدید در عرصه جهانی شدن و شبکه ای شدن جوامع و ظهور فناوری های گسترده که تغییرات مهمی را در نگرش نسل فعلی پدید آورده ضروری است و لذا لزوم طراحی الگوهای فرهنگی نوین که کنش متقابل دو فرهنگ خودی و جهانی را امکان پذیر سازد بیش از پیش احساس می شود. بدیهی است تبیین جامعه شناختی گونه های مختلف نسلی و نیز انواع چند پارگی های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در پرتو ترسیم فضای فرهنگی و اجتماعی کشور، دستمایه ای برای سیاست گذاران فرهنگی است تا با آسیب شناسی مسیر پیموده شده، راهکارها، برنامه ها و سیاست های راهبردی به منظور مدیریت چند پارگی ها صورت پذیرد.

در این نوشتار، به روش تحلیل منطقی دو برش را در عرصه اجتماعی برجسته می‌کنیم. در برش اول به گونه شناسی نسل های مختلف ایرانی در پنجاه سال اخیر پرداخته و تفاوت های نسلی را مورد بحث قرار می‌دهیم و در برش دوم، شکاف های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی در جامعه ایرانی را مطرح و الزامات اجتماعی را در سیاست گذاری فرهنگی مبتنی بر این دو برش ترسیم می‌نمائیم.

نسل

نسل عبارتست از فاصله زمانی بین تولد اعضای از جامعه که همزمان زاده شده اند و تولد فرزندان آنها. از لحاظ آماری نسل را دوره معینی فرض می‌کنند که معمولاً 30 سال است. یک نسل در واقع متشکل از افرادی است که علاوه بر تولد در زمان یکسان، از تجارب، منافع و دیدگاه های مشترک برخوردار بوده و به این منافع و تجارب نیز آگاهی دارند. (شفرز، 1386: 26)

کرتزل مفاهیم و تعابیر مطرح شده در حوزه جامعه شناسی نسلی را به چهار مقوله تقسیم بندی کرده است:

- 1- نسل به معنای اصل و نسب خویشاوندی
- 2- نسل به معنای افراد هم دوره
- 3- نسل به معنای مرحله زندگی
- 4- نسل به معنای دوره ای تاریخی (Kertzer, 1993: 125)

1- تفاوت نسلی و شکاف نسلی

در جامعه جدید در کنار تفاوت طبقاتی، تفاوت قومی و نژادی، دو مولفه جدید تحت عنوان تفاوت جنسی و تفاوت نسلی نیز شکل گرفته است.

بر این اساس هر قدر که جامعه توسعه یافته و در روند نوسازی قرار می‌گیرد؛ بر تفاوت نسل ها افزوده می‌شود. اگر در گذشته، کودکی، نوجوانی، میانسالی و پیری به عنوان مولفه های جمعیتی مطرح بود، در حال حاضر، اینها به مولفه های اجتماعی و

مطالعات میان فرهنگی

فرهنگی تبدیل شده و عامل تحرکات اجتماعی فراوانی می باشند و جامعه شناس نیز باید دربررسی های خود آنها را به عنوان مولفه های اساسی مورد توجه قرار دهد.

مفهوم شکاف در جامعه شناسی به آن دسته از تمایزات و تفاوت های پایداری اشاره می کند که در جریان تقابل های اجتماعی و سیاسی بروز می کند . شکاف نسلی (Generation Gap) به معنی وجود تفاوت های دانشی، نگرشی، گرایشی و رفتاری بین نسل های موجود در خانواده از قبیل والدین و فرزندان با وجود پیوستگی های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. تفاوت میان نسل ها خود به خود، تبدیل به شکاف و تعارض نسلی نمی شود بلکه وقتی می توان از شکاف نسلی یاد کرد که واحدهای نسلی شکل بگیرد .

کارل مانهایم نیروی جدیدی را که در ازای موقعیت های جدید و تجربیات متفاوت باشد ، زمینه ساز شکل گیری واحدهای نسلی می داند . تفاوت در موقعیت ها از قبیل دانش ، ارزش ، گرایش و رفتار و تجربیات نسلی می تواند منجر به شکاف نسلی شود .

شکاف نسلی با کشمکش نسلی متفاوت است زیرا در مورد شکاف نسلی، واحدهای نسلی به رغم تجربیات متفاوت در کلیت فرهنگی و اجتماعی به تعامل می پردازند و در صورتی که کشمکش نسلی به موقعیتی اطلاق می شود که بین دو موقعیت متفاوت نسلی به جای تعامل تعارض بروز می کند. (آزاد برمکی ، 1380) اهتمام به تفاوت ها و شکاف های نسلی در سیاست گذاری در واقع اهتمام به فرایندهای تاریخی است که الزاماً باید در سیاست گذاری فرهنگی مورد توجه قرار گیرد. هر گونه غفلت از وجود این تفاوت ها و شکاف ها موجب بروز تشتت و ناستواری در سیاست های متخذه در منظومه فرهنگی کشور می شود.

شناخت و تحلیل دقیق تحول اجتماعی عمیقی که در پنجاه سال اخیر در کشور اتفاق افتاد، رویکرد و جهت گیری سیاست گذاری فرهنگی کشور را مشخص می کند.

الزامات اجتماعی سیاست گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

به همین منظور در تحلیل تحول اجتماعی مهمی که در ایران اتفاق افتاد باید به ظهور مولفه ها و مشخصات جدید و مسائل اجتماعی نوینی اشاره نمود که تغییرات فرهنگی و اجتماعی فراوانی را در جامعه ایران بوجود آورده است .

2- پیدایش مسأله اجتماعی

اساساً تغییر و تحول اجتماعی ناشی از رشد و توسعه جوامع به ظهور جامعه جدیدی منجر می شود که از مشخصات آن گسترش رسانه های جمعی و ظهور و بروز مسائل اجتماعی است . مسائل اجتماعی پدیده ویژه دنیای مدرن است . مسائل اجتماعی زمانی شکل می گیرد که به دلیل حرکت سریع جامعه به سمت تکامل و گسترش صنعت و فناوری ، ساختار اجتماعی دستخوش تحول می شود .

رابرتسون معتقد است مسأله اجتماعی زمانی مطرح می شود که بخش قابل توجهی از جامعه از شکاف و فاصله بین ایده آل های اجتماعی و واقعیت های موجود جامعه آگاه و با خبر باشند . (Robertson, 1980: 2)

هورتون و لزی مسأله اجتماعی را امری می دانند که اولاً بخش قابل توجهی از جامعه آن را ناخوشایند بدانند ، ثانیاً معتقد باشند که برای حل آن باید کاری کرد و ثالثاً بر این باور باشند که فرد یا سازمان یا افرادی مسئول بر طرف کردن و حل مشکل اجتماعی هستند . (leslie, 1970: 3) مسئله اجتماعی ویژگی های زیر را دارد

- ۱- اجتماعی بودن و عمومی بودن
- ۲- جمعی و غیر فردی بودن
- ۳- تاریخی بودن
- ۴- واقعی بودن
- ۵- بعد کیفی و ربط ارزش داشتن
- ۶- بین رشته ای بودن مسأله اجتماعی (Becker, 1966: 1, 2)

3- تحولات اجتماعی از دهه 50 تا به امروز

بر اساس تحولات ساختاری که در جمعیت، اقتصاد و الگوهای مصرف و سطح زندگی و تحصیلات اعضای جامعه ایرانی از دهه 50 به این طرف بوجود آمد تنش ها و کشاکش های فکری و سیاسی در نسل ها و گروه های مختلف اجتماعی، بروز و ظهور پیدا نمود و فرازو نشیب های اجتماعی در این سال ها شرایط فرهنگی و روانی نوینی را بر جامعه تحمیل کرد و تعادل جامعه را برهم زد. (رفیع پور، 1375: 28)

در سال های نخستین دهه 50، جامعه ایران با شتابی بسیار دگرگون شد و عوارض ناشی از رشد اقتصادی نامتوازن در حوزه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آشکار شد و عوارض اجتماعی و فرهنگی زیادی بوجود آمد. در زمانه ای که جامعه دستخوش تحولات شتابان و عظیم است دلهره نسبت به آینده بیش از پیش سایه خود را بر فضای ذهنی جامعه می اندازد. جامعه در وضعیتی تعلیقی به سر می برد که نه با گذشته پیوند دارد و نه از آینده تصویری واقع بینانه. چنین وضعیتی را اکنون زدگی می خوانند. (تهرانیان، 1374: 7)

در دهه 50 فرایند تغییرات در جامعه نامتوازن بود. دگرگونی در وضعیت اقتصادی با دگرگونی در نهادهای فرهنگی و سیاسی همگون نبود. نهادهای سیاسی، توانائی و ظرفیت حل تنش های برخاسته از وضعیت نو پدید را نداشتند. این نهادها خود به یکی از زمینه های تنش و نارضایتی تبدیل شدند. نهادهای فرهنگی نیز قدرت تولید ایده ها و ارزشهای اجتماعی متناسب با شرایط جدید را نداشتند. این نهادها بیشتر نقش تبلیغی داشتند و نمی توانستند فرد را برای مواجهه با وضعیت تازه آماده کنند. در نتیجه نیروی لازم برای جذب و مهار تغییرات وجود نداشت.

به دلیل تغییرات اجتماعی فراوان، جوانان که نیروی بالنده عرصه کار و تلاش را تشکیل می دهند، احساس می کردند آینده پر خطر و نامطمئن دارند و به همین دلیل رفتارهای جوانان پیش بینی ناپذیر و غیر قابل تقلیل به الگوهای از پیش تعیین شده تلقی شد و شرایط تحولات و تغییرات پر شتاب و پر آشوب در زندگی اجتماعی و فرهنگی نسل جوان ایرانی، به این ویژگی و خصلت عام جوانی دامن زد.

الزامات اجتماعی سیاست گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

جوانان اغلب خود را ناگزیر می‌دیدند از اینکه به خطراتی تن دهند و به شیوه‌ی آزمون و خطا به روابط اجتماعی و شیوه‌ی های ناآزموده در دسترسشان بها دهند.
(احمد نیا، 1391: 179)

تغییرات بنیادین در ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی جوانان، بین نسل جوان امروز و نسل جوان آستانه انقلاب، تفاوت‌های اساسی و جدی ایجاد کرده است، به طوری که از نسل جوان امروزی با سطح اشتغال، تحصیل، نگرش و گرایش‌های کاملاً متفاوت، نمی‌توان انتظار همان علائق نسل قبل را داشت. پذیرش این مسأله، به درک بهتر واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی و سرمایه گذاری فرهنگی مناسب منجر خواهد شد.

واقعیت این است که نسل جوان علائق، امیال، گرایش‌ها و رفتارهای متفاوت با نسل قبل از خود دارد. فرزندان به عنوان نسل کنونی در مقایسه با والدین به عنوان نسل پیشین، با وجود اینکه در فضای فرهنگی نسبتاً نزدیک به هم زندگی می‌کنند، اطلاعات، گرایش‌ها و رفتارهای متفاوت دارند. اذعان به این تفاوت‌ها در اطلاعات، گرایش‌ها و نیازها که سازنده تفاوت‌های نسلی است، از اهمیت وافر برخوردار است.

4- انقلاب اسلامی و ظهور ارزش‌های نوین

وقوع انقلاب اسلامی در ایران موجب بسط ارزش‌های نوینی شد که معمارکبیر انقلاب مبتنی بر آموزه‌های دینی و شیعی در جامعه متبلور ساخت. انقلاب اسلامی پاداش الهی برای مردمی بود که با ابتناء بر ارزش‌های دینی به رهبری فرزانه مردی، تقابل همزمان با استبداد و استعمار را پیشه خود کرده و با نامشروع دانستن سلطنت، نظام جدید برآمده از آگاهی تاریخی و تجربه طولانی مبارزات حق طلبانه ملت را با مشروعیت الهی - مردمی تأسیس نمود. این انقلاب چنان وحدتی میان طبقات مختلف و گروه‌های متنوع جامعه آن روز ایران ایجاد کرد که گفتمان‌های مختلف سیاسی زیر چتر فراگفتمان دینی و ارزش‌های ملهم از آن قرار گرفتند.

مطالعات میان فرهنگی

ارزش های جدید مبتنی بر انقلاب اسلامی تغییرات وسیعی در جامعه آن روز ایران ایجاد نمود و وقوع جنگ تحمیلی، ارزش های دیگری هم بر سبد ارزشی کشور افزود. هرچند انقلاب ها رابطه ی تنگاتنگ با جنگ دارند (Skocpol, 1988:802) اما در ایران انسجام ارزشی ملهم از انقلاب اسلامی و جنگ در تغییر جریان اجتماعی و ارزشی جامعه موثر افتاد و عناصر اصلی فرهنگ جنگ مانند ساختن وجوه حماسی برای جنگ، مخالفت با ارزشهای موجود شهری و تشویق ایثارگری برای مقابله با هجوم فکری و نظامی دشمن، در تحولات فرهنگی و اجتماعی کشور موثر افتاد. (غلامرضا کاشی، 1379: 326-34) ازسوی دیگر انقلاب و جنگ، ایران و جامعه ایرانی را مدرنیزه کرد. (کاوه احسانی، 1390: 171) و به همین دلیل پس از پایان جنگ، ارزش های ملهم از انقلاب و جنگ در رفتار اجتماعی و اقتصادی ایرانیان مورد غفلت قرار گرفت و تهاجم فرهنگی از سوی غرب و تغافل فرهنگی در درون مرزهای فکری و فرهنگی، در تداوم نظام فرهنگی ملهم از انقلاب خدشه وارد کرد. و در پرتو تحولات اجتماعی بوجود آمده، نگرش، بینش و رفتار جدید پدیدار گشت.

5- گذار از وحدت ارزشی به چند ارزش شدن

از جمله دلایل کاهنده ارزش های اجتماعی، عدم تبدیل ارزش های اسلامی و انقلابی دهه اول علیرغم سرمایه گذاری سنگین، به اعتقادات و هنجارهای درونی بخشی از مردم و نیز ظهور ارزش های کاذب و گذار از وحدت ارزشی به سوی چند ارزشی شدن جامعه می باشد. این مسأله به نوبه خود تأثیر مستقیم بر کاهش مشروعیت و کارآمدی گروه های مرجع بعنوان حاملان اصلی جامعه پذیری گذاشته و پدیده شکاف نسلی را گسترش داد.

نسل بعد از جنگ، فضای عمومی پیش از انقلاب و نیز تحولات بزرگ اجتماعی سیاسی دوران پس از انقلاب و جنگ را تجربه نکرده و در فضای روانی و اجتماعی جدید پا به عرصه گذاشت. این نسل از خصلت ها و ویژگی های فرهنگی و اجتماعی متفاوتی نسبت به نسل پیش از خود برخوردار است. آشنایی سطحی با

ارزش های دینی و انقلابی از یک سو و پیوند وسیع با فرهنگ جهانی از طریق استفاده گسترده از تکنولوژی های جدید از سوی دیگر به همراه درک فضای فرهنگی جدید علاوه بر فضای مدرسه و آموزش های رسمی و نیز دسترسی آسان، بی دغدغه و کم زحمت به محصولات فرهنگی وارداتی و غربی، به همراه رفاه نسبی خانواده ها و اهتمام آنها به مطالبات فرزندان، شکل دهنده رفتار جدیدی از سوی نسل پس از جنگ گردید. (کوثری، 1387: 68)

پدیده جدیدی که در دهه 70 شکل گرفت و در دهه 80 گسترش فراوانی پیدا کرد و نه تنها سرگرمی نسل جوان بلکه خاستگاه اصلی فردی و اجتماعی این نسل قلمداد شد، ظهور اینترنت و فن آوری های ارتباطی بود.

ظهور اینترنت به مثابه رسانه ای قدرتمند در این سال ها ورشد حیرت انگیز آن، نوید ها و تهدیدات بسیاری را با خود به همراه آورد. (مک کوئیل، 1383: 39)

عده ای بعنوان موافقان دمکراسی دیجیتال، فن آوری ارتباطی را فراهم کننده وسائل لازم برای آموزش و روشمند کردن رفتار شهروندان و موثر کردن نقش آنان در سرنوشت جامعه می دانند. (سردارنیا، 1388: 202) و معتقدند که این فناوری موجب برابری آگاهی انسان ها نسبت به محیط پیرامونشان می شود. آنان فن آوری ارتباطی را عاملی در جهت ایجاد دموکراسی دانسته و بر وجه مثبت آن تأکید کرده و از ظهور آن استقبال می کنند. (خانیک، 1383: 16)

در مقابل عده ای دیگر با برجسته کردن نقش بی بدیل فن آوریهای ارتباطی در تغییرات فرهنگی جوامع، آن را بعنوان یک تهدید جدی و جدید قلمداد می کنند و معتقدند رسانه ها و اینترنت فرهنگ ها و تمدن ها را متحول نمود. با ورود اصطلاحات جدیدی مثل جهانی شدن، جامعه ی شبکه ای و انتقال پر شتاب فعالیت ها و زندگی انسان به فضای سایبر، مجازی شدن زندگی به عامل اصلی تغییر الگوی فکری و فرهنگی تبدیل شد. از سوی دیگر فن آوری های نوین ارتباطی و اطلاعاتی از قبیل اینترنت نه تنها ابزارهایی برای گسترش فرهنگ تلقی شدند، بلکه خود به مصارف جدیدی تبدیل گشتند و نه تنها نتوانستند نابرابری ها را کاهش دهند بلکه

مطالعات میان فرهنگی

حتی در جوامعی که نابرابری‌هایی اجتماعی و اقتصادی وجود دارد، موجبات تشدید نابرابری‌ها را فراهم آوردند. در این میان عده‌ای هم با بی‌توجهی به واقعیت‌های تکنولوژی جدید و واقعیت‌های جامعه، تأثیر فناوری‌های نوین را ناچیز شمرده و معتقدند تعداد کمی از مردم تحت تأثیر دریافت‌های خود از رسانه‌ها هستند. (عیوضی: 162)

نسلی که در سال‌های دهه 70 متولد گردید و در دهه 80 با اعتیاد به فناوری‌های نوین شبکه ارتباطی مانند تلفن همراه و استفاده از شبکه‌های اجتماعی و فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی همچون بازیهای رایانه‌ای و شبکه‌های مجازی روزگار گذراند، به نسل دیجیتال زده *digital natives* و یا نسل شبکه *net Generation* معروف شد. این گروه‌های سنی بازار هدف محصولات فرهنگی جدید شدند و این مسئله نقش مهمی در سپهر فرهنگی این نسل پدید آورد.

نتایج بعضی از تحقیقات نشان می‌دهد که فضای اینترنتی می‌تواند موجب اعتیاد افراد شده و آنها را از انجام وظایف روزانه باز دارد. (Gorton, 1997: 441) نتایج تحقیق نشان می‌دهد که 66% جوانان برای مقاصد تفریحی از اینترنت استفاده می‌کنند و تنها 8% به استفاده علمی از آن می‌پردازند. (آذر نیا، 1383)

امروزه جمعیت کسانی که از ماهواره استفاده می‌کنند بالغ بر 37 میلیون نفر برآورد می‌شود. (37: 91) افزایش شمار کاربران جوان اینترنت در کشور زمانی علامت پیشرفت و توسعه است که استفاده از این وسیله صرفاً جهت سرگرمی و وقت گذرانی نباشد و به ابزاری برای افزایش دانش و بهره‌مندی علمی مبدل شود.

این مساله به خودی خود درآشنائی بی‌واسطه و وسیع با فرهنگ لیبرالی و ارزش‌های آن، از طریق رسانه‌های مجازی و ماهواره ایی مؤثر افتاد و با کاهش نقش والدین به دلیل اشتغال آنها در خارج از محیط خانه، این نسل به گذراندن اوقات خود با گروه‌های همسان عادت نمود و این مساله مقدمه‌ای برای فروپاشی خانواده از یک سو و ضد اجتماعی شدن این نسل از سوی دیگر شد. (مک کوئیل، 1383). وقتی به جوانی که از ارضاء نیازهای عاطفی خود محروم مانده است اینترنت ارائه شود احتمال

الزامات اجتماعی سیاست گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

بیشتری وجود دارد که این وسیله به عنوان مهمترین وسیله ارضاء این گونه نیازها درآید و استفاده های دیگر را تحت اشعاع قراردهد.

واقعیت های جامعه ایران نشان دهنده این نکته مهم است که ظرف 50 سال گذشته جمعیت ایران از بیست میلیون نفر به بیش از هفتاد میلیون نفر رسیده و بیش از پنجاه درصد جمعیت کشور را نسل جوان تشکیل می دهد و نیک پیداست که علیرغم تلاش های فراوان انجام گرفته، بسیاری از نیاز های این نسل برآورده نشده است. در همین دوره تعداد شاغلان از پنج میلیون نفر به $14/5$ میلیون نفر رسیده است در حالی که نسبت شاغلان به جمعیت اگر در سطح سال 35 باقیمانده بود باید تعداد شاغلان 4 میلیون نفر بیش از رقم اعلام شده می شد .

در همین دوره جمعیت غیرفعال از $6/7$ میلیون نفر به $28/8$ میلیون نفر رسیده و این بدان معناست که جمعیت غیر فعال $4/3$ برابر افزایش پیدا کرده است که این مساله فشارعظیمی برای تأمین فعالیت بر جامعه تحمیل می کند. (زنجانی، 1390: 41) علاوه بر مشکلات اجتماعی پدید آمده، مشکلات اقتصادی و قضایی فراوانی نیز در این بازه زمانی بوجود آمده که افزایش تعداد پرونده های قضایی از یک سو و صدور چک بلا محل از سوی دیگر نشانگر فقدان سرمایهی اجتماعی در جامعه است. (فراهانی، 1387: 18)

بسیاری از این آسیب ها محصول محیط فرهنگی ناسالم، جو روانی نامطلوب و فضای نامساعد فرهنگی است که لزوم توجه به ریشه های فرهنگی و روانی که به گسترش این مسائل و آسیب های اجتماعی دامن می زند بیش از پیش احساس می شود. (رفیع پور، 1376: 110)

سرمایه اجتماعی

منظور از سرمایه اجتماعی سرمایه و منابعی است که افراد و گروه ها از طریق پیوند با یکدیگر می توانند بدست آورند. (Colman, 1988) ویژگی ذاتی سرمایه اجتماعی

این است که در روابط اجتماعی شکل می گیرد و فرد برای برخورداری از سرمایه اجتماعی باید با دیگران ارتباط داشته باشد و در واقع همین دیگرانند که منبع واقعی برخورداری فرد از مزایا و امتیازات محسوب می شوند. (portes, 1999:24)

از اینرو سرمایه اجتماعی عبارتست از پیوندها و ارتباطات مبتنی بر اعتماد میان مجموعه های انسانی و سازمانی که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می شود. (الوانی، 1385: 29)

1- شاخص های سرمایه اجتماعی

در میان شاخص های مختلفی که در تعاریف مربوط به سرمایه اجتماعی مد نظر می باشند چهار شاخص عمده قابل احصاء است:

1- اعتماد اجتماعی یعنی سطحی از اطمینان که شرکا در آن سطح از مجاری آسیب پذیر، قصد دست اندازی نداشته باشند. (بوگلیک و امکایت، 1387:189)

همچنین اعتماد نشانگر تمایل فرد به ریسک پذیری در یک موقعیت اجتماعی است به صورتی که فرد مطمئن می شود که دیگران نیز به شیوه ای که انتظار می رود اقدام خواهند نمود. (چلبی، 1375:12)

2- هنجارها که عبارتست از مجموعه آداب و رسوم و بایدها و نبایدهای رسمی و غیر رسمی که به تنظیم رفتار کنشگران اجتماعی می پردازد. این تنظیم رفتار به دو صورت انجام می گیرد: کاربرد قانون (اعمال زور) از یک سو و جامعه پذیری ارزش ها و هنجارهای اجتماعی از سوی دیگر. (خضری ورنانی، 1383:125)

هنجارها با ایجاد درک مشترک از کنش های بین گروهی و پیش بینی پذیر نمودن اعمال فرد، به حفظ انسجام اجتماعی کمک می کند و به واسطه جامعه پذیری درونی شده، نیاز به ابزارهای کنترلی را کاهش می دهد.

3- احساس مسئولیت مدنی، این شاخص با وضعیت شهروندی شهروندان مرتبط است. احساس مسئولیت مدنی بالاتر، تعهد شهروندی افراد را قوت بخشیده و به

الزامات اجتماعی سیاست گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

آنها انگیزه می دهد تا با اشتیاق به تعهداتی چون رأی دادن و پرداخت مالیات ، رفتار خود را سامان دهد.

4- فعالیت های داوطلبانه افراد که غالباً به صورت تشکل ها و انجمن های غیردولتی نمود عینی پیدا می کند.

سرمایه اجتماعی دربرگیرنده مجموعه ای از آثار اقتصادی و اجتماعی است به صورتی که نه تنها افزایش سطح تولید ملی، تسهیل موفقیت تحصیلی، سلامتی فرد و موفقیت شغلی می انجامد بلکه به ترویج و تقویت هنجارها و ارزش هایی که مانع رفتار جرم آمیز می شوند، منجر می گردد.

2- کاهش سرمایه اجتماعی

طی چند دهه گذشته فرسایش شدیدی در سرمایه اجتماعی برای جوانان هم در درون خانواده و هم در بیرون آن روی داده است. این مسئله به نوبه خود جامعه را شدیداً در معرض تهاجم فرد گرایی قرار داده و وضعیتی را فراهم کرده است که بر اساس آن منافع فردی بر مصالح جمعی تقدم یافته است .

مردم معتقدند که دولت در مبارزه با بیکاری، تورم، نابرابری، فقر و اعتیاد خوب عمل نکرده و بی اعتمادی، کلاه برداری، حسادت، چابلوسی، عداوت، تظاهر و ناامیدی در میان مردم بیشتر شده است (رک به : سیاهپوش ، 1387).

اعتقاد به تبعیض آمیز بودن قوانین در کنار عدم اعتماد به دیگران و سازمان های اداری، کاهش ارزش های درونی و هنجارها را به دنبال دارد. از اینرو در جامعه شاهد افزایش جرائم و هنجارشکنی می باشیم (رک به : مویدفر، 1382).

سیاست گذاری فرهنگی معطوف به وضعیت نسلی

واقعیت این است که وضعیت نسل جدید بسیار پیچیده تر از نسل های گذشته است و توجه به این پیچیدگی در سیاست گذاری فرهنگی کاملاً ضروری است . این نسل در

مطالعات میان فرهنگی

پی هویت جویی، فاصله گذاری و متمایز ساختن خود از نسل های گذشته می باشد (weller, 2007:12) و باید هدف اصلی سیاست گذاری فرهنگی قلمداد شود. در سیاست گذاری فرهنگی باید بروجوهی تأکید کرد که سبک زندگی (life style) نسل جدید را شکل می دهد. اگر سپهر فرهنگی که نسل های گذشته در پرتو آن زیست کرده اند بر محور پدیده هایی مثل رادیو، منبر، مسجد، کتاب و روزنامه شکل می گرفت و سپس با مؤلفه هایی مثل تعزیه، تئاتر، سینما، صنایع دستی، ادبیات، شعر، داستان، شبکه های تلویزیونی، روزنامه و مجله تکوین پیدا می نمود، نسل جدید سپهر فرهنگی خود را مبتنی بر مؤلفه هایی مثل موسیقی، نقاشی، رمان، شبکه های ماهواره ای، وب نوشته های متنی، تصویری و ویدئویی، بلوتوث و پایگاه های شبکه مجازی و پیامک سامان می دهد. توجه ویژه این نسل به موسیقی ایجاب می کند که در آموزش، تولید و مصرف موسیقی، سیاست های ایجابی اتخاذ شوند در غیر اینصورت شاهد از دست رفتن بخش وسیعی از نسل جدید خواهیم بود. به نظر می رسد که موسیقی در سپهر فرهنگی نسل جدید عنصر کلیدی است لذا در حوزه موسیقی لازم است سیاست گذاری به سمت جریان سازی موسیقی اصیل اسلامی و ایرانی باشد و با نقد سیاست های اتخاذ شده در این حوزه در طول سال های پس از انقلاب، به باز تولید موسیقی هویتی و اصیل پرداخت.

چند پارگی های اجتماعی

چند پارگی های اجتماعی همزاد جامعه است. از ابتدای پیدایش جامعه، تفاوت های جغرافیایی، ایدئولوژیک، اقتصادی و سیاسی، شکاف ها و چند پارگی هایی را در افراد و گروه ها بوجود آورده است و به منظور مدیریت این شکاف ها، نهادهای مختلفی شکل گرفته اند. تنوع جامعه شناسی سیاسی جوامع، نشان دهنده تنوع شکاف ها در آنها است.

شکاف های اجتماعی نشانگر نقاط تفاوت و افتراق افراد و گروه های گوناگون در یک نسل پیرامون ارزش ها، ایدئولوژها، مطالبات، طبقات اجتماعی و جایگاه افراد

است. براین اساس روابط اجتماعی و تعامل بخش های گوناگون جامعه و میزان اتفاق و اختلاف یک نسل با یکدیگر، به میزان قابل توجهی بر اساس این شکاف ها تنظیم و تعریف می شود. (امینی، 1389: 5)

قاعده کلی جامعه شناسی آن است که زندگی در هر کشوری به شیوه های گوناگون تحت تأثیر شکاف های خاص آن کشور و نحوه صورتبندی آن شکاف ها قرار می گیرد. به اعتقاد لپیست، یک شکاف زمانی با چهره و درون مایه سیاسی جلوه می کند که برخی از گروه های اجتماعی درک شفافی از اختلاف ها و ستیزش های میان خود و دیگر گروه های اجتماعی حاصل کنند و این تمایزها و اختلافات در عرصه نظام سیاسی نهادینه شوند. (Manza & BROOK, 1999:32)

1- گونه شناسی چند پارگی های اجتماعی

دانشمندان علوم اجتماعی برای مطالعه علمی تر شکاف های گوناگون اجتماعی تلاش کرده اند تا گونه شناسی جامعی از این شکاف ها ارائه دهند.

در یک طبقه بندی شکاف های سیاسی را به چهار دسته

1- شکاف های مرتبط با ساختار اجتماعی

2- شکاف های خاص

3- شکاف های ایستاری

4- شکاف های رفتاری تقسیم شده اند (بشیریه، 99: 1378)

همچنین شکاف های اجتماعی را می توان به دو دسته شکاف های متراکم و متقاطع تقسیم کرد. شکاف های متراکم همدیگر را تقویت می کرده و اثر هم افزایی بر یکدیگر دارند. (تاجیک، 1383: 202) و نیز شکاف های اجتماعی را به دونوع فعال و غیر فعال تقسیم می کنند. (امینی، همان)

شکاف ها و تعارضات اجتماعی اگر به صورت قطب بندی های آشتی ناپذیر فکری و ایدئولوژیک در جامعه ظهور پیدا کنند، مانع تکوین چارچوب های لازم برای هم پذیری مشارکت و رقابت می شوند.

مطالعات میان فرهنگی

شکاف ها در صورت غفلت و بی توجهی متصدیان و برنامه ریزان فرهنگی و اجتماعی ، مشکلات حاد و غیرقابل جبرانی بوجود خواهد آورد. با توجه به سرعت تحولات اجتماعی ، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در ایران، بعضی از شکاف های اجتماعی که موجب دگرگونی های وسیعی در جامعه امروز ما شده اند به شرح ذیل می باشند .

1- شکاف های فرهنگی و ظهور بنیادگرایی

جامعه ایران تا یک دهه گذشته نزاع های اجتماعی خود را حول شکاف سنت و تجدد سامان می داد. سنت گرایان افراد یا گروه هایی هستند که پویائی نهاد سنت اعم از مذهب ، دولت، خانواده، مالکیت، اخلاق و سبک زندگی را وجهه همت خویش قرار می دهند درحالی که تجدد خواهان، در صدد تحول در نگاه به نهادهای سنتی و موافق ورود تجدد به جامعه ایرانی می باشند. (بخشایش اردستانی، 1391: 135-122)

نه همه سنتی ها متدین بودند و نه همه متجددها بی دین . سنت و تجدد در جامعه ایران هرگز بصورت شکاف متراکم مطرح نبوده و انقلاب اسلامی در ایران محصول همگرایی میان سنت و تجدد و همپذیری آنها است . اما از یک دهه پیش به تدریج شکاف جدیدی تحت عنوان بنیادگرایی بعنوان یک گفتمان فرهنگی در عرصه اجتماعی شکل گرفت .

بنیادگرایی واکنش مستقیم به تجددگرایی و واکنش غیر مستقیم به سنت گرایی است . آنان با تجدد گرایان در ارزش ها و با سنت گرایان در روش ها تفاوت دارند.

2- چند پارگی مذهبی و ظهور سکولاریزم سیاسی و شبه دین .

در پنجاه سال اخیر، سه شکاف در عرصه مذهبی تحت عنوان دین ایدئولوژیک ، دین

سنتی و سکولاریزم فلسفی قابل شناسایی بود. دو گفتمان دین ایدئولوژیک و دین سنتی به مبداء، معاد و حقیقت هستی ناشی از اراده خداوند و انزال کتب و ارسال رسل برای هدایت انسان معتقدند ولی در خصوص رویکرد اجتماعی و سیاسی دین و قلمرو و دامنه حضور دین در عرصه اجتماعی و سیاسی، از تفاوت دیدگاه برخوردارند به صورتی که اولی بر رسالت اجتماعی و سیاسی دین و احکام و قواعد اجتماعی و سیاسی دینی معتقدند و

برقراری نظام سیاسی مبتنی بر دین را وجهه همت خود قرار می دهند در حالی که دومی با ابتناء برفقه فرد محور، تربیت انسان مسلمان را رسالت دین بشمار می آورند.

اما سکولاریزم فلسفی با نفی مبدأ و معاد، حیات مادی این جهانی را غایت خلقت دانسته و با رد متافیزیک و جهان آخرت، اعتقادی به جاودانگی انسان و حیات پس از مرگ ندارد. اکثریت قریب به اتفاق ملت ایران به دوگفتمان اسلام سنتی و ایدئولوژیک معتقدند، هرچند گفتمان سوم نیز در لایه هایی از جامعه ایرانی از جمله میان روشنفکران سکولار و چپ فلسفی حضور داشته و دارد. اما از یک دهه پیش، از یک سو سکولاریزم سیاسی که متقاضی حضور دین در عرصه خصوصی است و برای دین نقش و جایگاهی در حیات اجتماعی و سیاسی قائل نیست و از سوی دیگر شبه دین که جدایی دین و دولت، تقابل با روحانیت و اعطای نقش حداقلی به فقه و شریعت را برجسته می کند و در برابر فقه محوری دین سنتی به شبه عرفان گرایی روی می آورد، ظهور پیدا کرده اند.

3- شکاف های اجتماعی و ظهورلمین بورژوازی

طبقات اجتماعی در هر جامعه را می توان طبقه پرولتاریا، طبقه فرادست، طبقه متوسط سنتی و طبقه متوسط مدرن تقسیم کرد، لمین بورژوازی به عنوان زائده ای در کنار طبقات اصلی جامعه، برای توصیف نیروهای اجتماعی حاشیه ای و پیرامونی شهرهای جدید بکار می رود که نه صاحب منزلت مدنی اند که جزء طبقه متوسط مدرن محسوب شوند و نه صاحب کسب و کارند که جزء طبقه متوسط سنتی به شمار آیند و نه واجد سرمایه اند که جزء طبقه فرادست تلقی شوند و نه به نیروی یدی متکی اند که از طبقه کارگر به حساب آیند. ظهورلمین بورژوازی محصول توسعه نامتوازن جامعه ایران از یک سو و افزایش جمعیت و ناتوانی در برنامه ریزی اشتغال در دهه 70 می باشد.

4- شکاف های حقوقی، ظهور مفاهیم حقوق بشر

در جامعه ایران چند جناح سیاسی که رویکرد حقوقی متفاوتی دارند قابل شناسائی است. الف: ایدئولوژی گرایان: اینان به تقدم ایدئولوژی بر قانون معتقدند و قانون اساسی را کف و حداقل ایدئولوژی اسلامی می دانند و شامل برخی اصولگرایان می شوند.

مطالعات میان فرهنگی

ب: قانونگرایان: اینان تنها راه حفظ نظم سیاسی مستقر را اجرای کامل و بدون تنازل قانون اساسی می‌دانند و شامل برخی اصولگرایان و اصلاح طلبان می‌باشند.

ج: تجدید نظر طلبان: اینان معتقد به تقدم اعلامیه جهانی حقوق بشر بر قانون اساسی می‌باشند و خواهان تغییرات ساختاری در قانون اساسی هستند.

دو جناح اول در ذیل گفتمان انقلاب اسلامی تعریف می‌شوند و با اعتقاد بر اصول و مبانی اسلام، انقلاب، نظام و ولایت فقیه، در جهت پویایی نظام برآمده از اراده ملت مسلمان گام بر می‌دارند ولیکن جناح سوم که حضور رسمی در قدرت ندارد ولی با حضور در عرصه رسانه‌های مجازی، در صدد است گفتمان انقلاب را به چالش کشیده و ساختار شکنی در نظام را در پیش گیرد.

2- سیاست گذاری فرهنگی معطوف به شکاف های اجتماعی

چند پارگی‌هایی پیش گفته و نیز چند پارگی اقتصادی که نشان دهنده بیکاری، کاهش رشد اقتصادی، کاهش قدرت خرید مردم و تورم در جامعه می‌باشد واقعیت‌هایی است که نشان از تحولات پرشتاب در حوزه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی دارد. امروزه زندگی سیاسی در ایران تحت تأثیر این شکاف‌ها است و از این منظر نقش جامعه‌شناسان سیاسی، طراحی بنیان‌های نظری و مبانی تئوریک نظامی نوین و آسیب‌شناسی مناسبات دولت - ملت از یک طرف و تنظیم روابط میان گروه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از طرف دیگر می‌باشد. اگر جامعه‌شناسی فیزیک اجتماعی است، جامعه‌شناسان سیاسی خواهند توانست قواعد جامعه را شناسائی و مناسبات اجتماعی را بر مدار ارزش‌ها، منافع، عقلانیت و واقعیت‌های محیطی سامان دهند و مانع از متراکم شدن شکاف‌ها و چند پارگی‌ها و تبدیل آنها به جنبش‌های اجتماعی شوند.

با عنایت به مباحث فوق، سیاست گذاری فرهنگی در جامعه ایران علیرغم تلاش‌های صورت گرفته با فراز و نشیب‌های فراوانی مواجه بوده و در مجموع به اهداف خود نرسیده است. بخشی از فعالیت‌های فرهنگی و سازماندهی‌های انجام شده از الگوی مشخص و از پیش تعیین شده‌ای تبعیت نمی‌کند.

همچنین نامشخص بودن قلمرو مدیریت فرهنگی یا قلمرو فرهنگ در نظام برنامه ریزی فرهنگی کشور به همراه فقر تحقیقات بنیادی در زمینه فرهنگ و عدم برنامه ریزی مناسب برای تربیت مدیران فرهنگی و عدم توجه به علائق انسانی مخاطبان و تفاوت های نگرشی و رفتاری آنان از موانع کامیابی سیاست گذاری های فرهنگی است .

سیاست گذاری فرهنگی با رویکرد اجتماعی باید با ابتناء بر تنوع نسلی، علائق، دغدغه ها و محیط روانی و ذهنی مخاطبان به همراه اقتضاءات زمانی و تعامل آنها در جامعه ی شبکه-ای و عصر ارتباطات و تکنولوژی صورت پذیرد .

الزامات اجتماعی سیاست گذاری فرهنگی ایجاب می کند که راهبردها، سیاست ها ، اصول و برنامه های فرهنگی معطوف به بردار عمودی که شامل تمایزات نسل ها و بردار افقی که شامل شکاف های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می باشد، طراحی، تنظیم و اجرا شوند.

اگر سیاست گذاری فرهنگی معطوف به اراده دولت در ایجاد، تحکیم یا دگرگون سازی تنظیمات در زمینه فرهنگ باشد (وحید، 1386: 288) در این صورت جهت گیری راهبردها و سیاست ها باید به سمت نهادینه کردن توافق میان نسل ها از یک سو و غیر فعال کردن و جلوگیری از متراکم شدن شکاف های اجتماعی از سوی دیگر می باشد. در چنین وضعیتی است که جامعه برای هویت یابی و درک موقعیت خود با شبکه ای از راه حل های اساسی و درازمدت مواجه خواهد شد و به برقراری تعادل میان فرهنگ خودی و فرهنگ جهانی خواهد پرداخت.

راه حل جامع و دراز مدت سیاست گذاری فرهنگی با رویکرد اجتماعی، کالبد شکافی نظام جامع فکری و فرهنگی و پیوندهای شالوده ای و ساختاری مسائل تشکیل دهنده آن در سطح فردی و اجتماعی است. با توجه به وضعیت نسل جدید که به مراتب پیچیده تر از نسل های گذشته است مبتنی کردن سیاست گذاری فرهنگی بر این پیچیدگی ها کاملاً اجتناب ناپذیر است. (Weller,2007:12) بر این اساس راهکارهای لازم برای برنامه ریزی و سیاست گذاری فرهنگی عبارتند از :

1- شناسایی پیش نیازهای فکری، فرهنگی و اجتماعی.

مطالعات میان فرهنگی

- 2- جمع آوری اطلاعات جامع از وضعیت اجتماعی و شکاف های نسلی و شکاف های موجود.
 - 3- برنامه ریزی برای ایجاد مکانیزم های اجرایی برنامه ها و سیاست ها.
 - 4- تدوین خط مشی روشن برای اجرایی کردن اهداف و فلسفه های از پیش تعیین شده.
 - 5- بهره برداری مناسب از اقتدار مشروع دولت از یک سو و ظرفیت فراخ نهادهای مدنی از سوی دیگر برای جلوگیری از گسست و شکاف نسلی و اجتماعی و نهادینه کردن توافق ارزشی و رفتاری و جهت دهی آنها به سمت توسعه پایدار.
 - 6- تعیین سیاست ها و راهبردهای فرهنگی معطوف به امید و اطمینان و فرهنگ کار و ابتکار و اجتناب از خود محوری و تکروی. (محسنی، 1378: 38)
- سیاست گذاری فرهنگی با رویکرد اجتماعی با هدف بهره برداری از مولفه های مثبت فرهنگ دینی، ملی و بومی، در صورتی قادر به حل مشکلات نسل جدید و نیز کاهش چند پارگی ها و جلوگیری از فعال و متراکم شدن آنها است که:
- 1) تئوری پردازی، نظام برنامه ریزی، سیاست ها و راهبردها با هم افزایی و انسجام نظری و عملی همراه شود و با بینش کلان نگر فرابخشی، کلیت نظام فرهنگی به صورت فرایندی مورد توجه قرار گیرد.
 - 2) به دلیل بین رشته ای بودن فرهنگ، باید سیاست گذاری فرهنگی بر پژوهش های علمی و جامعه شناختی استوار بوده و با استفاده از متخصصان رشته های مختلف طراحی و تنظیم گردد.
 - 3) توجه بنیادین به کیفیت تعامل نسل ها از طریق توانمندسازی نهادهای اولیه و ثانویه جامعه پذیری از قبیل خانواده ها، مدارس، رسانه ها و گروه های مرجع به منظور اقدام مشترک در طراحی نظام فرهنگی در دستور کار قرار گیرد.

نتیجه گیری

سیاست گذاری فرهنگی نوعی توافق میان مسئولان و کارگزاران فرهنگی بمنظور تعیین و تدوین مهمترین اصول و اولویت های لازم برای فعالیت فرهنگی است .
اهتمام و اقدام همه جانبه به منظور شناخت نیروها، نیازها و مقتضیات مخاطبان و محیط فرهنگی و اجتماعی آنان تضمین کننده موفقیت در این عرصه است .
مشخصات یک سیاست گذار فرهنگی موفق ، شناخت دقیق از محیط اجتماعی و تلاش برای برقراری ارتباط دقیق با جامعه هدف می باشد .

در ایران فقدان نظریه واحد درباره فرهنگ متناسب با شرایط خاص جامعه ایرانی که بتواند جنبه های متنوع فرهنگ دینی، ملی وبومی مبانی نظری و عملی رفتار فرهنگی ملت را در یک الگوی خاص تبیین نماید از جمله آسیب های جدی است که سامان فرهنگی جامعه را مخدوش نموده است.

رویکرد اجتماعی سیاست گذاری فرهنگی ایجاب می کند که دو بردار عمودی و افقی که نشانگر تفاوت و تمایز نسلی از یک سو و چندپارگی های اجتماعی، فرهنگی ، سیاسی، اقتصادی ازسوی دیگر است مورد اهتمام قرار گرفته و سیاست گذاری فرهنگی مبتنی بر آن طراحی و ترسیم شود.

با توجه به تحولات ساختاری در جمعیت و اقتصاد و الگوی مصرف ، تحصیلات در جامعه از یک سو و گسترش تکنولوژی های نوین، رسانه های جمعی ، فناوری اطلاعات، اینترنت و فضای مجازی از سوی دیگر، در دهه 70 و فضای فرهنگی نوین نسلی معروف به نسل دیجیتالزاده که فضای دوران انقلاب و جنگ را تجربه نکرده بود پا به عرصه وجود گذاشت و رفتاری متفاوت از خود بروز داده این نسل با سبک زندگی نوین ، شکاف ها و کشمکش هایی با نسل پیشین پیدا کرده و علائق، گرایشات و رفتارهای متفاوت و شرایط فرهنگی و روانی جدیدی را ارائه می نماید.
انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی از یک سو ارزش های معنوی و خودباوری و دین محوری را در جامعه تولید کرد و ازسوی دیگر جامعه را مدرنیزه نمود و با تهاجم فرهنگی از سوی بیگانگان و تغافل فرهنگی از سوی سیاست گذاران فرهنگی ، ارزش

مطالعات میان فرهنگی

های متعالی انقلاب چنان که شایسته بود در بخشی از این نسل نهادینه نشد و این نکته، پیامدهای گوناگونی را در جامعه بوجود آورد. این مسأله همزمان با افزایش جمعیت مشکلات نوینی ایجاد کرد و بخشی از نسل جوان احساس نمود که جامعه و دولت از حل مشکلات او ناتوان است. این مسئله به فرسایش سرمایه اجتماعی انجامید و جامعه را شدیداً در معرض تهاجم فردگرایانه قرار داده و وضعیتی را فراهم آورد که بر اساس آن منافع فردی بر مصالح جمعی پیشی گرفت.

در این میان چند پارگی های متنوعی در حوزه فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی نیز در جامعه تشدید شد و چندپارگی هایی که می بایست توجه ویژه سیاست گذاران را به خود معطوف نماید مورد غفلت قرار گرفت. بدیهی است هرگونه تداوم غفلت و بی توجهی به این مهم، چند پارگی ها را به صورت قطب بندی های آشتی ناپذیر فکری و ایدئولوژیک تبدیل خواهد کرد و مانع تکوین چارچوب های لازم برای همپذیری، مشارکت و رقابت خواهد شد.

تغییرات اجتماعی فوق الذکر، موجب پیدایش نیازهای اجتماعی جدیدی شد و پدیده اجتماعی نوینی را شکل داد.

هرگونه رویارویی با پدیده جدید، شک، ستیز، نفی و حذف موجب می شود پدیده اجتماعی نوپدید، به بحران اجتماعی و آشفتگی اجتماعی منجر شود. در حالیکه ارزیابی، درک، اصلاح و مواجهه منطقی با پدیده جدید، به آشنائی بیشتر با آن پدیده و تکیه بر ضرورت اصلاح خطاها و اشتباهات و در نهایت حل مسائل اجتماعی منجر خواهد شد. در چنین وضعیتی جامعه شناسان قواعد جامعه را شناسائی و مناسبات اجتماعی را بر مدار ارزش ها، منافع، عقلانیت و واقعیت های محیطی سامان می دهند و مانع از متراکم شدن شکاف ها می گردند.

منابع

- (1) آذرینا، راضیه، (1383)، بررسی چگونگی کاربرد اینترنت نزد جوانان شهرمشهد، افکارسنجی دانشجویان ایران.
- (2) آزاد برمکی، تقی، (1383)، جامعه شناسی نسلی در ایران، تهران، جهاد دانشگاهی.
- (3) احمدنیا، شیرین، (1391)، ریسک پذیری یا محافظه کاری، مهرنامه شماره 27.
- (4) احمدی، حسن، (1370) روش برنامه ریزی در بخش فرهنگ، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- (5) احسانی، کاوه، (1390) مهرنامه، شماره 15.
- (6) الوانی، سید مهدی، شیروانی، علیرضا، (1385) سرمایه اجتماعی و مفاهیم، نظریه ها و کاربردها اصفهان، انتشارات مافی.
- (7) امینی، پرویز، (1389)، جامعه شناسی 22 خرداد، دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در آینه واقعیت، فرهنگ اندیشه.
- (8) بخشایش اردستانی، احمد، (1391) نسبت بنیادگرایی اسلامی و مدرنیته: تعامل یا تقابل، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.
- (9) بشیریه، حسین، (1378) جامعه شناسی سیاسی، نشرنی، چاپ دوم.
- (10) بوگلرک، جورج و اسکایت، تون ون، (1387) سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی منطقه ای (زمستان 1387) حمیدرضا مقصودی، راهبرد یاس، شماره 16.
- (11) تاجیک، محمدرضا، (1383)، دهه سوم، تخمین ها و تدبیرها، جلد اول، مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری.
- (12) تهرانیان، مجید، 1374 نقش رسانه های پشتیبانی توسعه ملی ایران، تهران، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
- (13) چلبی، مسعود، (1375) جامعه شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران، نشرنی.
- (14) خانیگی، هادی، (1383)، دموکراسی دیجیتال، فصلنامه رسانه، ش 51.

مطالعات میان فرهنگی

- 15) خضری محمد، زمانی، محسن، (1383) رانتجوئی و هزینه های آن، مجله نامه سفید شماره 45.
- 16) رفیع پور، فرامرز (1376)، آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران، انتشارات سروش.
- 17) رفیع پور، فرامرز (1375)، وسائل ارتباط جمعی و تغییرات ارزشها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 18) زنجانی، حبیب الله، (1390) تحول جمعیتی و پیامدهای مسئله آفرین آن، مسائل اجتماعی ایران تهران، آگه.
- 19) سردارنیا، خلیل الله، (1388)، آثار سیاسی، فن آوری های ارتباطی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره 2.
- 20) سیاهپوش، امیر، (تیر 1387)، فرا تحلیل مطالعات سرمایه اجتماعی در ایران راهبرد فرهنگ، شماره 3.
- 21) شفرز، برنارد، (1386)، مبانی جامعه شناسی جوانان، کرامت راسخ، تهران، نشرنی.
- 22) عیوضی، محمدرضا، تأثیر رسانه ها بر رفتار انتخاباتی، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، سال 16 شماره 2.
- 23) غلامرضا کاشی، محمد جواد (1379)، جادوی گفتگو: ذهنیت فرهنگی و نظام معنایی در انتخابات دوم خرداد آینده پویان.
- 24) فراهانی، محمد (1387) جامعه شناسی و فساد و امنیت، نگاهی موردی به مقوله فساد اقتصادی سیاسی و اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت ملی، تهران، انتشارات پرسان.
- 25) کوثری، مسعود (1387)، نسل های Z,Y,X و سیاست گذاری فرهنگی در ایران فصلنامه راهبرد فرهنگ، سال اول، شماره 3.
- 26) محسنی، منوچهر (1378)، بررسی نگرش های ایرانیان در زمینه پیوندها و نیروهای اجتماعی، تهران، گزارش تحقیق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 27) مک کوئیل، دنیس، (1383) درآمدی بر نظریه های ارتباط جمعی، پرویز اجلالی، تهران، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.

- 28) مویدفر، رزیتا، (1382)، نگرشی بر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن، اندیشه صادق شماره 11 و 12.
- 29) وحید، مجید، (1386) بخشی در سیاست گذاری فرهنگی، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره 37، شماره 3.
- 30) Becker . H . (1966) Social problems:A modern approach .N.Y.Wiley
- 31) Coleman . I.S.(1988) Social Capital in the creation of human capital , American journal of Sociology .
- 32) Goggin , Gearhard . call honc . Culture : mobile technology in every dey life . london : Rutledye
- 33) Gorton.L.1997 Social impacts of electronic mail in organizatiens : a review of reasaearch. literature in communication year book .n.i.18.
- 34) Hutchison , David , (1999) , Media policy , Blackwell .
- 35) leslie .p.b G .R .N (1970) , The Sociology of social problems . maredith . co , new kork ,
- 36) kertzner . David , (1993) , Generation as a sociological problem in Annual Revice . n.9.
- 37) portes . A . (1999) , Social Captial : its origins and applications in modern , sociology , Annual Review of sociology.
- 38) Manza , jeff & Brooks clem , (1999) , Social cleavages & political change: voter aliynments & a.s party coalitions ,oxford : oxford university press
- 39) Stephen knack . Social capital & quality of Government : evidence from u.s States nttpecon.word bank . ory/file 1414. Wps2504 pdf.
- 40) Robertson .I . (1980) Social problems , Random House . Newyork . Horton .
- 41) skocpol, theda. (1988) , Social Revolutions and mass military
- 42) Weller , Susie ,(2007) , Teen agers citizenship . london : Rutledye .
- 43) Mobilization in word politics, vol 40,no2